شهید باقر احمدی

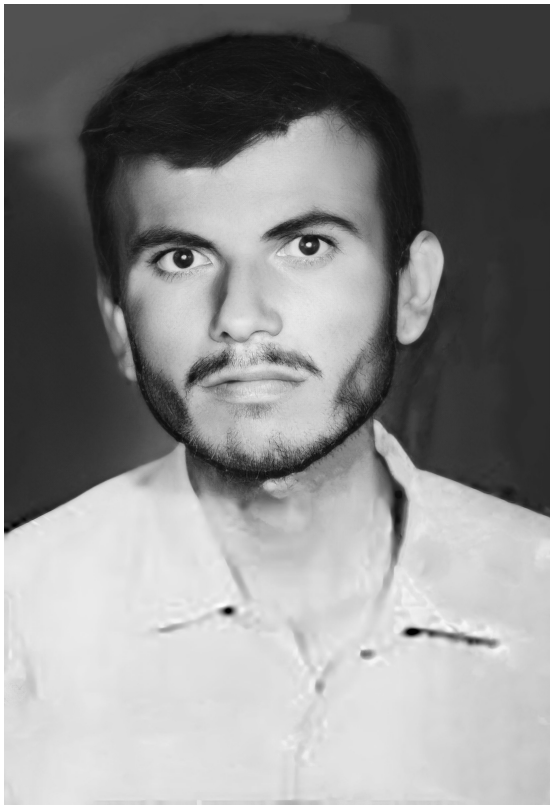

از تبار یاسین علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر

نام پدر	غلامحسین
تاریخ تولد	۱۳۴۴/۰۷/۰۱
محل تولد	بوشهر – دشتی
تاریخ شهادت	۱۳۶۵/۱۰/۰۱
محل شهادت	اسلام آباد غرب
مسئولیت	رزمنده
نوع عضویت	سرباز زمینی ارتش
شغل	–
تحصیلات	دوره ابتدایی
مدفن	کاکی

زندگینامه

زندیگنامه شهید

شهید باقر احمدی فرزند غلامحسین در روز یکم مهر ماه سال ۱۳۴۴ در روستای هلالی احمدی پا به عرصه ی وجود نهاد. خانواده ی ایشان کاملاً متدین و علاقمند به اهل بیت(ع) بودند، اجداد ایشان روحانی و از مبلغین دینی بودند که همیشه خانواده آنها جایگاهی برای بررسی مشکلات و اوضاع مردم و محل بحث و گفتگو در مورد مسایل دینی و شرعی بود. مادر ایشان فردی مؤمنه و بسیار محجبه بود به طوریکه زبانزد خاص و عام است. چون پدر از جنبه ی مالی ضعیف بود توانایی فرستادن باقر به مدرسه را نداشت. دوران کودکی شهید در این روستا مانند هم سن و سالان خود به کار کشاورزی و دامداری آن هم به کمک پدر و مادر گذشت. متأسفانه باقر با علاقه ای که به مدرسه و مکتب داشت تا سن ۱۶ سالگی بی سواد ماند و از آنجایی که دارای هوش و استعداد سرشار بود با فرمان امام مبنی بر حضور در کلاس های نهضت سوادآموزی به خیل سوادآموزان پیوست و توانست تا ۲ کلاس را با موفقیت طی نماید.

با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران باقر مـــــــرتب اوضاع و احوال جنگ و جبهه ها را دنبال می کرد و بسیار علاقمند بود تا در صف مجاهدان و رزمندگان بر علیه دشمن بعثی بجنگد تا اینکه در تاریخ ۱۸/۴/۶۴ به خدمت سربازی اعزام گردید، دوره ی آموزشی را در کرمان به پایان رسانید و سپس با اعزام به منطقه ی عملیاتی اسلام آباد غرب مأمور دفاع از مرزهای کشور گردید.

باقر عشق و علاقه ی فراوانی به قرآن و ادعیه داشت، در تمامی مراسمات و دعاهای کمیل و توسل در جبهه شرکت می کرد. خانواده ایشان با آمدن سیل سال ۱۳۶۵ به کاکی مهاجرت نمودند، در حالی که باقر مشغول انجام وظیفه بود و د روزهای سخت که خانواده مجبور به مهاجرت شدند باقر در کنار آنها نبود، لذا آنچه این درد و رنج را مضاعف می کرد نبودن این جوان در آن روزهای سخت در کنار خانواده بود ولی از آنجایی که پدر ایشان فردی متدین و صبور بود با اقتـــــدا به مولایش امام حسین (ع) همه ی مشکلات و گرفتاریها را برای رضای خدا تحمل می نمود.

باقـــر جوانـــــی مؤمن بود، بیشتـــــر مواقـــع نمـــــــازهای پنج گانه را در مسجد ادا می نمود، به سادات و روحانیت علاقه خاصی داشت. ایشان پس از یازده ماه حضور در جبهه غرب به دست نیروههای از خدا بی خبر بعثی به درجه شهادت رسیدو پیکر پاکش در دی ماه سال ۱۳۶۵ بر روی هزاران نفر از هم ولایتی هایش تشییع و در گلزار شهدای کاکی به خاک سپرده شد تا خاک این عزیزان زیارتگاه عاشقان سرزمین شهادت گردد.

هلالی زادگاه شهید باقر احمدی

روستایی در هفت کیلو متری غرب کاکی، بر کناره شرقی رودخانه ی همیشه جاری مند. وجود رودخانه مایه ی برکت و نشاط این آبادی است، زمین های اطراف رودخانه در زمستان هنگام طغیان رود حاصلخیز می شود، مزرعه های زیبای گندم و جو در فصل زمستان و اوایل فصل بهـــــــار سرزمینی رویایی را در جنوب ایـــــران بوجود می آورد. مردمانی ساده و پاک، به سادگی و پاکی رودخانه ایـــن ده کوچک زمانـــی سرشار از زندگی بود، اکنون سکنه اش به دلیل جاری شدن سیل در سال ۶۵ به جاهای دیگر خصوصاً کاکی کوچ کرده اند ولی کشت و درو برای اینکه کار و تلاش و سرسبزی را در آنجا به بار آورند به آن دیار می روند مردم روستا در فصل کار و کشت به همدیگر کمک می نمایند.

شهید باقر احمدی از جوانان برومند این روستا بود که از خانواده ی بزرگ با اجدادی روحانی پرورش یافت، سالها دورتر این روستا و این خانواده عالمی بزرگ و مجتهدی وارسته را به نام حضرت آیت الله شیخ عبدالله هلالی دشتی در خود پرورش داده بود، ایشان پس از تولدش در هلالی در سنین نوجوانی جهت تحصیل علوم دینیه راهی نجف دیار علم و دانـــش می گردد و در آنجا علاوه بر افتخار همجواری با مولایش امیرمؤمنان(ع) از محضر اساتید بزرگی، همچون حضرت آیت الله بادکوبه ای، آیـــت الله شاهرودی، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، تحصیلاتش را تا درجه اجتهاد ادامه می دهد، آنگاه برای تبلیغ معارف دینی به زادگاهش مراجعه می کند، با ورود ایشان به روستا هلالی محفل علما و بزرگان منطقه می گردد و مردم دشتی از دور و نزدیک برای حل مشکلات و مسائل شرعی خود به آن جـــا می آمدند.

شهید باقر احمدی نیز در چنین محیط پاکی رشد کرد و صفا و صمیمیت را از همان آب و خاک با صفا آموخت. جوانان این روستا نیز در زمان رادمردی و مردانگی مانند سایر مردم رشید ایران لباس رزم پوشیدند و برای دفاع از میهن و دین مردانه جنگیدند.

این روستا علاوه بر شهید احمدی شهیدی دیگر به نام غلامحسین منصوری نیز تقدیم اسلام و انقلاب کرده است. هلالی تا ابد به خود می بالد که فرزندانش این چنین دلاورانه تا آخرین قطره ی خون مقاومت کردند و دست از اعتقاد خود بر نداشتند.

بـــــه آنانـــکه ره حیـــدر گـــرفتنـــــــد

بـــــه سوی آسمانـــــها پـــــــر گرفتنـــد

به قلب سیاهی همی چون تیر رفتنـــــد

بـــه بانـــگ روشن تـــکبیـــــــــر رفتند

شکوه تکســـــــــواران دیـــــدنی بـــود

رشادتـــــــهای یـــاران دیـــــدنی بـــود

مشخصات پدر شهید باقر احمدی

نام: غلامحسین

نام خانوادگی: احمدی

نام پدر: محمد

تاریخ تولد: ۴/۱۱/۱۲۹۵

محل تولد: هلالی

زندگینامه

مرحوم غلامحسین احمدی فرزند زایر محمد ملاجعفر در سال ۱۲۹۵ در هلالی در خانواده‌ی مذهبی از سلسله‌ی روحانیت که از این خانواده علمایی نیز برخاسته‌اند متولد می‌گردد. پدر ایشان مرحوم زایر محمد فردی معتمد و دینی مردم آن سامان بود، مرحوم مشهدی غلامحسین قرآن و ادعیه را در مکتب خانه نزد مرحوم پدرش می آموزد به طوریکه در ایام نوجوانی بر قرآن و ادعیه تسلط می یابد و قادر بر خواندن و نوشتن و درک کتابهای تاریخی و مذهبی و اسناد رایج آن زمان بوده است. وی در همان روستا مشغول کشاورزی می شود و از این راه امرار معاش می کند. با تأسیس مسجد در روستا تولیت و سرپرستی مسجد را بر عهده می گیرد. با آمدن سیل در سال ۶۵ ایشان به کاکی مهاجرت می نماید. در کاکی نیز با تأسیس مسجد ابولفضل وی به امورات این مسجد می پردازد. ایشان شخصی دائم الذکر بود بیشتر اوقات خودرا در مسجد می گذرانید. سرانجام در مؤرخه ۲/۲/۸۲ دارفانی را وداع می گوید و به جـــوار رحمت حق و اصل می شود.

« خداوند او را با پیامبران و ائمه ی معصومین همنشین گرداند».

مشخصات مادر شهید باقر احمدی

نام: خیری

نام خانوادگی: احمدی

نام پدر: باقر

تاریخ تولد: ۴/۵/۱۳۱۰

محل تولد: هلالی

زندگینامه

خیری احمدی فرزند باقرابن ملاجعفر در سال ۱۳۱۰ در روستای هلالی متولد شد. زمانی که ایشان کودکی بیش نبود پدرش فوت می نماید او تحت سرپرستی عموی بزرگوارش حضرت آیت الله حاج شیخ عبدالله ملاجعفر تربیت و پرورش می یابد. این بانوی محترمه مسایل شرعی و اعتقادی را از همان زمان کودکی فرا می گیرد. ایشان فردی مومنه و مهربان می باشد. حدوداً در سن ۲۲ سالگی با پسر عمویش غلامحسین احمدی ازدواج می کند که حاصل

این زندگی مشترک دو فرزند پسر به نامهای: عبدالحسن احمدی که اکنون در آموزش و پرورش کاکی مشغول خدمت است، دیگری باقر که مشرف عظمای شهادت نایل آمد و ۴ فرزند دختر دارد. والده شهید احمدی فردی صبور می باشد.

مصاحبه

خصوصیات شهید باقر احمدی از زبان پدر

این مصاحبه در زمان حیات پدر شهید صورت گرفته و در زمان تدوین کتابنـــامه بـــازسازی گردیـــده است:

سلام مـــن به روح پـــاک او باد شقایق شـــرمگین از خاک او باد

بیـــا یادی کنیـــم از احـــمدی ها از آن روح بلنـــــد سـرمـــدیـــــها

تولد

شهید احمدی در یکم مهرماه ۱۳۴۴ هجری شمسی در خانواده ای از خادمان اهل بیت و عصمت و طهارت در روستای هلالی احمدی دیده به جهان گشود.

تحصیلات

به دلیل عدم وجود مدرسه در زادگاهش و ضعف مالی پدر از تحصیلات کلاسیک باز ماند ولی از آنجایی که باقر استعداد وعلاقه ی سرشاری داشت با پیروزی انقلاب و تأسیس نهضت سوادآموزی در امر سواد آموزی شرکت جست و دوره ی تکمیلی را که معادل چهارم ابتدایی است با موفقیت گذرانید.

یاری خانواده

وی از سنین کودکی برای کمک به در آمد خانواده دوشادوش پدر کار و فعالیت می کرد و آنچه را از راه کار و تلاش بدست می آورد صرف مخارج خانواده می کرد.

خدمت در مسجد

با بنیـــانگذاری مسجـــــد روستا شهید خالصانه در امر ساخت مسجد کار می کرد و پس از تکمیل مسجد در تمیز کردن و جارو کردن مسجد با پدر و مادر خود همکاری می کرد، جوانان روستـــا را تشویق به آمـــدن به مسجـــــد می کرد.

خصوصیات فردی

گفتارش شیرین،صحبتش دلنشین، تعالیم دینی و مذهبی را به خوبی آموخته بود و رعایت می کرد. پاک و بی ریا، متین و استوار، جاذبه اش چنان بود که هماره بر حلقه دوستان چون نگینی می درخشید.

معراج

در روز دوشنبه یـــکم دی مـــاه ۱۳۶۵ در حالی که ۲۱ بهار از عمــرش می گذشت سوار بر براق شهادت به خلدبرین از کربلای غرب کشور عروجی خونین نمودتا هنگام لقا معشوق رنگ سرخ بالهای پروازش نشان از وصال فُرتُ و رب الکعبه باشد. پیکر پاکش در گلزار شهدای کاکی در جوار دیگر کبوتران خونین بال به خاک سپرده شد.

مصاحبه با مادر شهید باقر احمدی

۴ درمورد باقر آنچه می دانید بیان کنید.

شهید دوران کودکی را با مشکلات و گرفتاری های خاص آن زمان طی کرد، نماز و روزه را نزد من و پدرش در زمان کودکی یاد گرفت، در نوجوانی به پدرش در اموراتی مانند جمع کردن گندم و خرما کمک می کرد سخت کوش بود.

۴ چگونه از خبر شهادت ایشان اطلاع یافتید؟

در دیماه سال ۱۳۶۵ که تازه به دلیل سیل از روستا مهاجرت کرده بودیم از طرف بنیاد شهید به ما اطلاع دادند که باقر به شهادت رسیده است.

۴ هنگامی که خبر شهادت فرزندتان را شنیدید چه احساسی داشتید؟

از اینکه فرزند برومندی را پرورش داده بودم که شجاعانه در راه عقیده اش جهاد و مبارزه کرده بود و در راه خداوند به شهادت رسید خدا را شکر کردم، البته از آن جایی که من مادر بودم داغ سنگینی برای ما بود ولی با یاد آوری مصائب و گرفتاری حضرت زینب(س) در کربلا دلم را تسکینی دادم.

۴ با مردم چه سخنی دارید؟

از راه ایمان و عقیده خویش منحرف نشوند و در راه ترویج فرهنگ ایثار و شهادت تلاش نمایند شهیدان را از یاد نبرند.

از تبار رئیس علی

سامانه جامع سرداران و دو هزار شهید استان بوشهر